

# موسیقی

## جاز

و

# نسل جوان



پروژه شکارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پرویز منصوری

چنان مورد توجه افراد امریکائی قرار گرفت که در مدتی کوتاه ارکسترهای متعدد موسیقی جاز تشکیل شد. بعدها به هر قطعه موسیقی که با فرمی کم و بیش شبیه به آهنگهای ارکسترهای اولیه سیاه پوستان نوشته میشد نام «جاز» اطلاق

برای اولین بار در اوائل قرن حاضر ، گروهی از نوازندگان سیاه پوست «نیوارلثان» زمانیکه از جنوب امریکا به شمال آن کشور رهسپار بودند ، دسته ارکستری بنام «جاز» تشکیل دادند . موسیقی مخصوص سیاهان



میگردید .

ملودی در این موسیقی ساده و ابتدائی و در عوض ریتم آن چند بخشی<sup>۱</sup> و پیچیده بود . سادگی ملودی نشانه‌ای بود از سادگی تفکر سیاهپوستان افریقائی الاصل و پیچیدگی ریتم سمبول آنها . در ضمن باید به این نکته نیز توجه شود که ریتم ناله مانند و سنگین نیز در بعضی از قطعات اصیل آنها دیده میشد . علاوه بر این عامل دیگری را که نقش کم و بیش مهمی در رنگ آمیزی و بیان ملودیها برعهده داشت ، باید در نظر گرفت : فواصل پرده‌ها کاملاً منطبق بر «فواصل معتدل» موسیقی غرب نبود و در نتیجه غالباً موسیقی دارای هارمونی و اکورد بندی بخصوصی میگردید . بگفته دیگر : موسیقی جاز دارای هارمونی ساده‌ای بود که گاهی با جهش‌هایی ظریف ، تأثیری ویژه در شنونده ایجاد میکرد .

از خصوصیات اجرائی موسیقی جاز در درجه اول حالت پرسر و صدای آلات ضربی (Percussion) ، ایجاد «تازش» (سنگی) و نحوه اجرای خاص سازهای بادی بود (مثلاً اجرای پرسر و قوی ترومپت و لغزش<sup>۲</sup> پرده‌های ترومبون و ساکسوفون) که غالباً با الهام از کیفیت تأثیر دهندگی سازهای بادی ، گاهی آنها را با عرضه یک زمینه هارمونی ، به «بداهه نوازی» آزاد میگذاشتند ، از همین سر آغاز بود که موسیقی جاز به دوراه یا دو طرز مختلف اجرائی کشیده شد : یکی را «جاز سرد» (Cool Jazz) و دیگری را «جاز داغ» (Hot Jazz) نامیدند .

پیدا شدن سبک‌های مختلف و ازدیاد هواخواهان جاز ، اعم از اجرا کننده و شنونده سبب شد که سیاهپوستان و سفیدپوستان هر دو بان رو آورند . اما هر اندازه این موسیقی توسعه مییافت ، از اصالت و صمیمیت اولیه اش تهی میگشت اگر زمانی موسیقی سیاهپوستان بیان ناله

مانندی از فشارهای چند صد ساله برده‌داران بود موسیقی کنونی جاز بیشتر در پی جلب شهرت و رونق بخشیدن به کسب و کار دسته‌های ارکستر میکوشد .

\*\*\*

نسل جوان در دنیای امروز بدون تردید خود را رو در روی مسائل و مشکلات تازه‌ای می‌یابد . جوانان از یکسوفشار این مسائل را بردوش‌های خویش احساس میکنند و از سوی دیگر ، کم و بیش از راه‌های غیر منطقی و ناپخته برای حل آنها گام برمیدارند ،

با وجود هماهنگ بودن مسائل تازه جوانان ، فریاد اعتراض علیه این مسائل در صحنه جهان عملاً به راه‌های گوناگونی میرود و هدف‌های متفاوتی میجوید . در هر منطقه جوانان راه دیگری میپویند ، هیپی‌ها در آمریکا و انگلستان ، گلپرستان در آمریکا ، کموناردها<sup>۳</sup> در اروپای مرکزی و هواداران نوجوان فلسفه اگزیستانسیالیسم در فرانسه ، هر یک بدون توجه به دیگری به دور هم گرد آمده‌اند ، اگر چه عامل و کیفیت مشترك در همه آنها روگردانی از نظم اجتماعی و تمایل به آنارشیزم است که تجلی خارجی آن همان سر و صدا ، داد و فریاد و خواست آزادی بدون مرز و عدم تعهد در روابط جنسی است ؛ هر چند که در لابلای اعتراضات

۱- ریتمی که در موسیقی جاز شنیده میشود غالباً ترکیبی از ریتم‌های ساده است که در مجموع نسبت بهم تناسب دارند و نتیجه کلی آن زیبا و مشغول کننده است . با این کیفیت را «چند بخشی» نامیدیم

۲- glissendo

۳- Communardes طرفداران فلسفه

زندگی مشترك آنارشستی



آنها ، نکات منطقی بسیاری نیز بچشم میخورد .  
حقیقت اینست که مسائل جوانان امروز  
قوی تر و ریشه دارتر از آن است که قدرت کاذبی  
که به کار گرفته اند ، یعنی قدرت ناشی از سرو  
صدای جوانی ، موفق بحل آن مسائل شود ، از  
اینرو آنها فقط ناشیانه صدای اعتراض بلند  
کرده اند و در زمینه هنری - که موضوع مورد  
بحث ماست - سروصدای موسیقی جاز را سمبول  
فریاد اعتراض خود گرفته اند .

کم اطلاعی و بی اعتنائی موسیقیدانان به  
اصول تکنیکی جاز اصیل از سوئی و روحیه  
آناشستی و بی تفاوتی جوانان امروز از سوی  
دیگر سبب شده است که جاز کنونی نقش  
سخنگوئی جوانان را بعهده بگیرد . نتیجه  
اینکه قشر جوان (واحیانا روشنفکران کم سن)  
به عنوان هواخواه پروپا قرص این موسیقی ،  
نقش بزرگی در توسعه آن بازی می کنند .  
در کشور ما جاز به معنای صحیح آن  
هرگز راه نیافته است . به عبارتی دیگر نیاز  
باطنی و درونی به این شیوه موسیقی در جوانان  
ما بوجود نیامده است و این پدیده ای است طبیعی  
زیرا جاز ، ویژه سیاه پوستان و زائیده زندگی  
آنهاست . بدینجهت نه تنها در کشور ما بلکه  
در سایر کشورها نیز این هنر يك هنر وارداتی  
بوده است .

آنچه مادر کشور خویش به عنوان موسیقی

جاز ، از نوازندگان و خوانندگان خود در  
رادیو و تلویزیون و مجامع دیگر می شنویم نوعی  
تقلید و آنها هم تقلیدی گاه بسیار ناشیانه است .  
مردم ما از تمام مظاهر سطحی غرب تقلید  
میکنند ، بدون آنکه به ریشه ها و علل اجتماعی  
آن بیندیشند . جوانان ما نیز ، بمثابه فرزندان  
خلف همین اجتماع از مظاهر سطحی تری پیروی  
میکنند ، مظاهری که تقلید از آن با کمترین  
زحمت یا بدون زحمت تحقق پذیر باشد . اگر  
فریاد اعتراض جوانان دنیا علیه پدیده های  
اجتماعی برمیخیزد ، جوانان ما اعتراض خویش  
را در واحدهای کوچکتر اجتماع - مثلا در  
کادر خانواده - خلاصه میکنند .

پسران و دختران جوان علیه رفتار پدر و  
روش مادر خصمانه و خصمگن به موسیقی بیتلها  
و جمع آوری صفحات جاز پناه میبرند و وانمود  
میکنند که از داشتن این گنجینه ها سرمست  
غرورند و بیتلها و دیگران را بعنوان پیامبران  
هنر زمان پرستش میکنند .  
کار تحقیق و بررسی علمی ، یادست کم آن  
وسائل تمرینی که بیاری آنان از جوانان ما در  
آتیه مردان محقق بسازد ، بطرز تاسف آوری  
ناچیز است و مورد بی مهری و بی اعتنائی قرار  
دارد و این پدیده که نتیجه تلخ تقلید است  
خود موجب بر تشدید آن گردیده است .